

تفسیر سوره ماعون (جلسه سوم)

متن مستخرج از فایل صوتی تدریس استاد تاج آبادی - ۱۴۰۰/۰۱/۲۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ (۱) فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲) وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳) فَوَيْلٌ
لِّلْمُصَلِّينَ (۴) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵) الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (۶) وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

خدمت همه دوستان، عزیزان و اساتید بزرگوار عرض سلام و ادب دارم و امیدوارم که خداوند متعال به همه ما توفیق بدهد و یاری مان کند که در ماه مبارک رمضان بتوانیم بیشتر بکوشیم و تلاش بکنیم تا عبادتی، حالی، دعایی و یک تفضلی ان شالله حاصل بشود.

موضوع بحث، تفسیر سوره ماعون بود. در جلسه قبل بعد از مقدماتی یک مرور اجمالی کردیم بر مفاد آیات این سوره و دیدگاهی که مفسران دارند نسبت به دو بخش این سوره. بعد وارد این بحث شدیم که خُب این سوره در مرحله بعد ببینیم چه نکاتی کلی که مرتبط با موضوع سوره هم هست دارد بیان می کند.

خُب موضوع سوره در واقع نقش معاد باوری بود در اصلاح رابطه انسان میان خداوند متعال و اصلاح رابطه انسان ها با مردم. یکی از پیام های کلی این سوره در جلسه قبل عرض کردیم همین است. معاد باوری؛ یعنی اگر باور به معاد، ایمان به معاد در قلب ما تقویت بشود این باعث میشود که ما به عبادت حقیقی که در نماز تجلی پیدا می کند؛ یعنی به نماز حقیقی دست پیدا کنیم، باریابیم و از طریق عبادت حقیقی رابطه مان با خداوند متعال اصلاح می شود و تکمیل می شود.

نقش سوره در اصلاح روابط انسان ها با یکدیگر

اثر دیگر معاد باوری آنطوری که از این سوره به دست می آید به نوعی اصلاح رابطه انسان ها با یکدیگر است از طریق احسان، اکرام و نوع دوستی. آیاتی مثل فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ یا آیه آخر همین سوره وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ، دلالت بر این نکته داشت با توضیحاتی که دادیم که اگر کسی معاد باور شد، نسبت به نیازمندان، نسبت به فقرا و نسبت به هر کسی که یک کمکی از انسان می خواهد بی تفاوت نیست و تلاش می کند که نیاز آنها را برطرف بکند و اگر نتواند خودش نیاز آنها را برطرف کند در واقع می کوشد، تشویق می کند دیگران را، ترغیب می کند دیگران را به این کار. طبیعی است اگر کسی نوع دوستی در آن حاصل بشود؛ یعنی در واقع، درد دیگران، درد او باشد و نیاز و فقر دیگران او را آزار دهد و بکوشد برای اینکه درد

دیگران، نیاز دیگران را برطرف کند و دیگران را تشویق به این کار بکند، طبیعی است چنین کسی دیگر نسبت به مردم تکبر ندارد. فخر فروشی ندارد. غرور ندارد و با تواضع و مهربانی با دیگران برخورد می کند.

موبد این نکته ای که از سوره ماعون ما به دست آوردیم آیات سوره معارج هست. یا آیات سوره انسان هست. در سوره انسان آیات ۷ تا ۱۰ هم همین مطلب به نوعی بیان شده و یوفون بالذکر و یخافون یوم کان شره مستطیرا و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیم و اسیرا انا نخاف من ربنا یوم عبوسا قمطیرا؛ ملاحظه می فرمایید این سوره انسان که حضرات معصومین فرمودند درباره ما نازل شده است، اطعام به یتیم و اسیر و مسکین را یعنی رفع نیاز آنها را، نوع دوستی شان را معلل کرده به این آیه که انا نخاف من ربنا یوم عبوسا قمطیرا. یعنی اگر ما اطعام می کنیم، اگر ما به یتیم و به فقرا و به مساکین و به اسیر کمک می کنیم، نیاز آنها را برطرف می کنیم، منشا آن این است که ما می ترسیم؛ انا نخاف من ربنا یوم عبوسا قمطیرا یا که عرض کردیم این آیه انا نخاف من ربنا یوم عبوسا قمطیرا و یتیم و مسکینا و یتیم هست.

ارتباط بین نماز حقیقی و نوع دوستی و اکرام و احسان به مردم

نکته دیگری که از این سوره به دست می آید این است که بین نماز حقیقی و نوع دوستی و اکرام و احسان به مردم یک پیوندی برقرار است، یک رابطه حقیقی برقرار است، یعنی اگر کسی نمازش، نماز حقیقی شد، قطعا نوع دوستی هم دارد، نیاز مردم او را آزار می دهد، درد مردم او را آزار می دهد و تلاش می کند که نیاز مردم را در حد وسع خودش برطرف کند.

یا اگر کسی این روحیه نوع دوستی در او تقویت شد و ایجاد شد به نوعی قطعا یک ارتباط خوبی با خداوند دارد، یک خضوعی، یک تواضعی در مقابل خداوند دارد. این مطلب را که پیوند حقیقی میان نماز حقیقی و نوع دوستی هست، این را آیات سوره معارج توضیح بیشتری می دهد؛ هر چند آیات سوره ماعون که در خدمت و محضرش هستیم هم بر این مطلب دلالت میکند.

خُب در آیات سوره معارج چه مطلبی هست؟ چه نکاتی وجود دارد؟ ملاحظه بفرمایید در این آیات، خداوند متعال می فرماید که إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا: انسان ها با خصلت حرص آفریده شده اند، ذاتا انسان ها حریص اند، انسان ها به طور غریزی حریص هستند. خُب ببینید حریص بودن انسان ها چه پیامدهایی برایشان دارند؟

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا: چون آسیبی به او رسد، بی تاب است، وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا: و هنگامی که خیر و خوشی [و مال و رفاهی] به او رسد، بسیار بخیل و بازدارنده است، اگر انسان به نعمت و رفاه و ثروت برسد آن را بر خودش نگاه دارد و به دیگران ندهد، به دیگران کمک نکند.

. اگر شرّ به او برسد، نداری به او برسد، فقر به او برسد، جَزَع می کند، بی تابی می کند. بعد می فرماید که الا المُصَلِّينَ : مگر نمازگزاران. یعنی فقط نمازگذاران از این خصیصه زشت و ناپسند حرص در امان می مانند.

خُب، بعد این مصلین یا نمازگزاران را توصیف می کند، نمازگزاران حقیقی را توصیف می کند و اوصافی برای این نمازگذاران حقیقی می آورد. بخشی از این اوصاف برمی گردد به رابطه اینها با خداوند متعال. اینها در نمازشان توجه دارند، خاشع اند، محافظت بر نماز دارند، دوام بر نماز دارند، بخشی هم برمی گردد به رابطه ای که با مردم دارند، ارتباطی که با مردم دارند. می فرمایند: این نمازگذاران کسانی هستند که والذین فی اموالهم حق معلوم: آنها کسانی هستند که باور دارند، یقین دارند، اعتقاد دارند که بخشی از اموالشان مال دیگران است؛ للسائل و المحروم: بخشی از اموال و درآمد خودشان را حق فقرا می دانند، حق محرومین می دانند.

به این نکته توجه کنید. نمی فرماید نمازگذاران حقیقی به فقرا و به نیازمندان و به محرومان کمک می کنند. می گوید نمازگذار حقیقی و آن کسی که اعتقاد دارد بخشی از اموالشان مال خودش نیست، بخشی از اموالشان حق محروم است، حق نیازمند است. والذین فی اموالهم حق معلوم؛ یعنی کسانی که باور دارند که بخشی از اموالشان حق مردم است؛ یعنی اینها موقعی که به محروم کمک می کنند، به سائل کمک می کنند، به فقیر کمک می کنند، اینها یک فضلی برای خودشان نمی بینند. این را یک تفضلی نمی بینند، یعنی ما داریم حق اینها را به خودشان برمی گردانیم. اصلا این حق ما نیست، ملک ما نیست، امانتی است که ما باید به صاحب امانت برگردانیم که محرومین و نیازمندان هستند.

بعد در ادامه م یفرمایند اینها کسانی هستند والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون: آنها کسانی هستند که نسبت به اماناتشان و نسبت به عهدشون راعون، رعایت می کنند، یعنی هم امانت داری میکنند و هم به عهدشان وفا می کنند. ببینید وفای به عهد، رابطه بین انسان با دیگران است. امانت داری، رابطه انسان با دیگران است. اینکه درد سائل و محروم را داشته باشد رابطه انسان با دیگران است.

قرآن می فرماید، این اثر آن نماز حقیقی است. کسانی که به نماز حقیقی می رسند، به این اوصاف پسندیده راه پیدا می کنند و از رذیله حرص نجات پیدا می کنند؛ چون منشا امساک، منشا خودداری کردن از کمک به دیگران، منشا فرار کردن از نوعی دوستی، یک نوع حرص است. قرآن می فرماید: این نماز حرص آنها را از بین می برد. آن که حرصش را از بین برد نسبت به مردم اینگونه رفتار می کند و آنهایی که نیازمندند حدی برای آنها قائلند. برای آنها که نیازمند نیستند، وفای به عهد می کنند، امانت داری می کنند، و دیگر اوصاف.

نماز حقیقی و نوع دوستی دو رکن اساسی اصلاح جامعه

نکته دیگری که در اینجا هست این است که از نظر قرآن کریم این نماز، و عبادت حقیقی از یک طرف و نوع دوستی و توجه به مردم و نیازهای مردم را برطرف کردن دو رکن اساسی برای اصلاح جامعه است و این در آیات متعددی در قرآن کریم بیان کرده، این سوره هایی که نماز را همواره با زکات؛ یعنی انفاق ذکر کرده است، چون زکات در بسیاری از آیات به معنای انفاق هست؛ یعنی آیتی که در ۱۶ سال بلکه بیشتر از بعثت پیامبر اکرم نازل شد چه در مکه چه در مدینه، واژه زکات آمده و آنجا همه به معنای انفاق آمده است. واژه زکات در این معنای مصطلح اش در اواخر بعثت پیامبر اکرم در مدینه نازل شد و به آن معنا رسید.

نکته دیگر این است که آنچه را که گفتیم که این معاد باوری نقش اساسی در اصلاح انسان ها دارد؛ چه در بُعد ارتباطشان با خداوند متعال، چه در بُعد ارتباطشان با مردم، مطلبی است که در آیات متعددی در قرآن کریم بیان شده است. یکی از آنها آیه ۶۰ سوره نحل است: لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوِّ وَ لِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى؛ مَثَلٌ در این آیه به معنای صفت است. قرآن می فرماید: آنهایی که ایمان به آخرت ندارند، صفات ناپسند دارند، صفات ناپسند پیدا می کنند.

اگر می خواهید به صفات پسندیده برسید، به تواضع، به حلم، به بردباری، به انفاق، به نوع دوستی، به کمک به فقرا برسید، باید باور به معاد بکنیم، یقین به معاد پیدا کنید. اگر یقین به معاد نکنید، این صفات انسانی و الهی از شما فاصله می گیرد. یا در آیات دیگری داریم مثل آیه ۷۴ سوره مومنون: ان الذین لا یؤمنون بالآخره عن الصراط لناکبون، کسانی که ایمان به آخرت ندارند از صراط مستقیم، از صراط عدالت، از صراط انسانی و صفات انسانی سقوط می کنند، منحرف میشوند. اگر می خواهید در صراط انسانی باشید، که همان صراط

فطرت است، همان صراط دین است و همان صراط فضایل انسانی است، باید به آخرت باور پیدا بکنید و روز به روز بر ایمان و باورتان بیفزایید.

سهم بیشتر معادباوری در تربیت انسانها

نکته بعدی این است که هم از آیات سوره ماعون هم از آیات سوره معارج و دیگر آیاتی که در قرآن کریم هست این نکته به دست می آید که نقش معاد باوری در تربیت انسان ها، از نقش توحید باوری بیشتر است؛ یعنی آن آثار پسندیده و آن فواید و ثمراتی که معاد باوری در این دو حوزه دارد، توحید؛ یعنی در واقع خدا شناسی و باور به خداوند متعال؛ هر چند این معاد باوری معلول خدا باوری است؛ یعنی تا ما به خدا ایمان نداشته باشیم، ایمان به معاد معنا ندارد. یعنی ایمان به معاد معلول و مولود ایمان به خداست. به باور به وجود خداوند متعال است. به لحاظ ثبوتی و علمی و معرفتی اینطوری است.

به لحاظ معرفتی، ایمان به خدا زمینه ایمان به معاد و قیامت است؛ اما به لحاظ تربیتی، به لحاظ اثری که باورها در انسان ها دارند و آثاری که باور به معاد دارند، بیشتر از آثاری است که خدا باوری دارد. همچنان که در قرآن کریم آیات متعددی بر این مطلب دلالت دارند.

حالا چرا اینجور است؟ چرا در قرآن کریم تاکید بر معاد باوری اینقدر زیاد است؟ یک روز شاید عرض کرده باشیم خدمت شما بیش از دو هزار آیه در قرآن کریم داریم درباره معاد و آنچه که مربوط به معاد و لوزام معاد است. یعنی یک سوم آیات قرآن کریم درباره معاد است. و دو سوم درباره خدا شناسی و انسان شناسی و جهان شناسی و هستی شناسی و فضایل اخلاقی و رذائل اخلاقی و قصص انبیا و جهان شناسی و اینهاست. حالا تازه می فهمیم اینکه قرآن کریم یک سوم از آیاتش را اختصاص به معاد داده به خاطر همین مطلب است. حالا چرا اینگونه است؟ از نظر قرآن کریم انسان ها اولاً به طور غریزی وابسته و دلبسته به مظاهر و لذات دنیوی هستند. این یکی از اصولی است که قرآن کریم بر آن تاکید دارد.

تلازم دنیا طلبی با بخل

مطلب دوم، یعنی مقدمه دوم این است که از نظر قرآن کریم دنیا طلبی با حرص و بخل و امساک در کمک کردن به دیگران تلازم دارد. و این را هم در آیات قبلی خواندیم و توضیح دادیم. بعد هم شاید آیاتی را به اشاره در واقع بیان بکنیم.

دنیا طلبی سبب دوری از ندهای فطری

مطلب بعد این است که از نظر قرآن کریم اگر کسی وابسته به دنیا شد، علاقه مند به دنیا شد، دنیا پرست شد در واقع او از ندهای فطری و از ندهای عقلش و از درک فطری و عقلانی خودش فاصله می گیرد. یعنی توجهی به ندهای درونی خودش نمی کند. توجه به امور حسی مثل خدا خواهی، مثل خدا پرستی، مثل حق طلبی، مثل نوع دوستی، مثل دستگیری از دیگران نمی کند. به خاطر اینکه هم آیاتی که در سوره مدثر هست، هم آیاتی که در اوایل سوره بقره هست کمک کردن به مردم و توجه به درد و نیاز مردم را یکی از امور فطری انسان می داند و یکی از گرایشات فطری انسان است.

اما هر چه که انسان حرص اش به دنیا بیشتر می شود، دنیا خواهی اش بیشتر می شود، لذت گرایی اش بیشتر می شود، بی توجه به این ندای فطری اش می شود، بی توجه به این دردها و گرایشات فطری اش می شود. به همین خاطر پیامبر بزرگوار اسلام فرمودند که حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ: محبت دنیا ریشه همه گناهان است، ریشه همه لغزش هاست و ریشه همه صفات ناپسند است.

این مطلب را در سوره فجر، خداوند متعال به آن اشاره دارند؛ آیات ۱۷ تا ۲۰ سوره فجر کلا بل لا تکرمون الیتیم: این چنین نیست؛ بلکه شما یتیمان را اکرام نمی کنید؛ و لا تحاضون علی طعام المسکین: شما یکدیگر را تشویق نمی کنید به مسکین ها کمک بکنید و نیازهای آنها برطرف بشود و تاکلون الثراث اکلا لَمَّا؛ شما دوست دارید که هم سهم خودتان را و هم سهم دیگران را به طور یکجا تصرف بکنید، لَمَّا آنطوری که لغت شناسان گفته اند؛ یعنی اینکه انسان سهم خودشان را و سهم دیگران را همه را یکجا ملک خودش قرار بدهد و در آن تصرف بکند. وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا؛ و شما یک محبت بسیار زیادی به مال دارید. جَمًّا: یعنی بسیار زیاد. تحبون المال

حبا جما؛ یعنی شما دوست دارید به اموال فراوانی برسید. این در واقع آن محبتی است، آن دلبستگی و وابستگی است که در شما ایجاد شده است.

نکته ای که در این آیات است این است که مرحوم علامه طباطبایی می فرمایند که این آیه و تاكلون التراث اکلا لما دارد علت لا تکرمون الیتیم را بیان می کند.

و آیه تُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا دارد بیان می کند، علت ولا تَحَاضُّونَ علی طعام المسکین را. یعنی چی؟ یعنی این آیه می خواهد به ما بگوید که اگر شما دلتان برای یتیمان نمی سوزد، اگر شما اکرام به یتیمان نمی کنید، به این علت است که در واقع دوست دارید دست درازی در اموال دیگران بکنید، یک محبت کاذبی، یک وابستگی کاذب در دل شما ایجاد شده به این مال و ثروت.

این وابستگی که قرآن از آن به اکلا لَمَّا تعبیر می کند همین علت شده است که شما به یتیمان کمک نکنید و اکرام نکنید و آیه بعد می فرماید این که شما یک محبت ویژه به اموال زیاد پیدا کردید، همین باعث شده است که به مسکین ها کمک نکنید و دیگران را هم تشویق نکنید به کمک کردن به یتیم و مسکین و فقیر.

باز این مطلبی است که در آیات دیگر قرآن کریم هم هست مثل آیه ۲۳ و ۲۴ سوره حدید و دیگر آیاتی که در قرآن کریم هست.

خُب، پس از نظر قرآن کریم انسان ها به طور غریزی محبت و دلبستگی به دنیا دارند. این محبت و دلبستگی دنیا در آنها حرص ایجاد می کند، امساک ایجاد می کند، دست درازی به اموال دیگران ایجاد می کند، و بی میلی به کمک کردن به دیگران در انسان ایجاد می کند.

معاد باوری یگانه درمان دنیا طلبی

مقدمه بعد قرآن کریم این است که تنها چیزی که می تواند این محبت غریزی را از انسان بگیرد، یعنی این دنیا دوستی و دنیا طلبی را از انسان بگیرد، فقط معاد باوری است. یعنی خدا باوری این اثر را به آن معنا ندارد، معاد باوری این اثر را دارد. معاد باوری می تواند ریشه این راذیل اخلاقی را بخشکاند و حرص را از انسان بگیرد و مال دوستی را، دنیا گرایی را از انسان بگیرد. این هم باز مطلبی است که در قرآن کریم در آیات متعددی بیان شده است. اما آیاتی که چند دقیقه قبل عرض کردیم و هم آیاتی مثل آیه ۵ سوره فاطر انَّ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَ لَا تَغُرَّنَّكُمْ

الحیاه الدُّنْیَا؛ بدانید وعده خدا حق است. مراد از **وَعَدَ اللهُ** در اینجا یعنی **قیامت**، یعنی **رستاخیز**. بدانید رستاخیز حق است اگر باور کردید که رستاخیز حق است، حیات دنیوی و لذات دنیوی شما را فریب نمی دهد. شما را گمراه نمی کند. از آن طرف هم درست است. اگر حیات دنیوی شما را فریب داد، اگر وابستگی شدید به دنیا پیدا کردید، از معاد باوری فاصله می گیرید و نسبت به معاد دیگر ایمان و یقین نخواهید داشت، ایمان تان به شک تبدیل می شود، شک تان به مرور زمان به انکار مبدل می شود.

یا در سوره عادیات میفرماید که **أَنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ**. انسان ها به طور غریزی نسبت به دنیا و لذات دنیا حُبّ شدیدی دارند و بعد می فرماید چه چیزی این حب شدید را از بین می برد؟ می فرماید **أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ**؛ آیا نمی دانند آن زمانی که می آید و انسان ها از قبرها برانگیخته می شوند. این آیه **أَفَلَا يَعْلَمُ** می خواهد این را بگوید که اگر باور کنید به معاد، باور کنید به رستاخیز، این محبت شدید شما به دنیا و پیامدها و آثار سوء اش هم از بین می رود.

یا آیات **سوره مطفین ایه ۱ تا ۵** این سوره که می فرماید **وَلِلْمُطَفِّينَ** وای بر کم فروشان. آن کسانی که موقعی که می خواهند کالای مردم را بخرند، اجناس مردم را بخرند، خیلی دقیق وزن می کنند به نفع خودشان که حق خودشان ضایع نشود؛ ولی موقعی که می خواهند جنس به مردم بفروشند جوری وزن میکنند و کیل می کنند که باز به نفع خودشان باشد، به ضرر مردم باشد.

بعد قرآن می فرماید که **أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ**؛ آیا اینهایی که کم فروشی می کنند، خسارت مالی به دیگران می زنند، تصرف در مال دیگران می کنند، آیا گمان ندارند که یک روزی مبعوث می شوند؟ یعنی اگر گمان پیدا کنند، یقین پیدا کنند که مبعوث می شوند و معادی هست و قیامتی هست دیگر اینها دچار این نوع رذائل اخلاقی نمی شوند.

تذیر مسلمین از تکذیب عملی معاد

نکته دیگری که در سوره ماعون هست و خلاصه عرض کردیم که بر اساس تفسیری که مرحوم علامه طباطبایی داشتند از این سوره و گفتیم تفسیر برگزیده ای هم هست و ترجیح دارد بر تفسیری که مفسران دیگر قرآن کریم

کرده اند، دارد هشدار می دهد به مسلمانان ها، می فرماید که مشرکان به درد تکذیب عملی و قولی مبتلا هستند، اعتقاد به معاد ندارند و بر زبانشان هم جاری می کنند که اعتقاد به معاد ندارند که آن بخش دوم سوره بود **فویل للمصلین** که توضیحاتش را دادیم.

قرآن می خواهد بگوید که ای مسلمانان متوجه باشید که مبتلا به **تکذیب عملی معاد** نشوید. یعنی بر خلاف باورهای معاد شناختی تان عمل نکنید، بر خلاف ایمان به معادتان رفتار نکنید، اگر بر خلاف ایمان به معاد رفتار کردید، به مرور زمان ایمانتان به معاد تضعیف می شود و دچار شک می شوید و بعد معاد را انکار می کنید، رستاخیز را انکار می کنید. یعنی ابتدا دچار می شوید به تکذیب عملی معاد، بعد دچار می شوید به تکذیب اعتقادی و زبانی معاد. و این باز مطلبی است که در آیات دیگر قرآن کریم هست. هم در سوره توبه و هم در دیگر آیات قرآن کریم؛ **ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السَّوَأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ** : سپس عاقبت کسانی که کارهای سوء انجام می دهند این است که تکذیب می کنند آیات الهی را ، یعنی نتیجه گناه، نتیجه لغزش های عملی کم کم این است که ایمان شما کم کم ضعیف می شود، کم کم ، کم می شود ، تغییر پیدا می کنید و به مرتبه ای می رسید که شما ایمانتان را از دست می دهید و تکذیب می کنید آیات الهی را که یکی از آیات الهی معاد و رستاخیز هست.

بنابراین یکی از پیام های این سوره این است که **مراقب باورهای معاد شناسی تان باشید**، مراقب ایمان به معاد باشید و بدانید که در معرض خطر است. اگر به لوازم این باورها عمل نکنید، به مرور زمان این باورها از دلتان برچیده می شود.

انشالله خداوند متعال کمک بکند همواره ما کوشش بکنیم از ایمان و باورهای مان محافظت بکنیم.

و السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.